

ازمیان خبرها

ماجرای جلوگیری از تکرار حادثه «بنیتا» توسط پلیس

مامور پلیس، کودک دو ماهه ای را که در خودروی به سرقت رفته والدینش محبوس شده بود، نجات داد.

به گزارش ایسنا، ساعات پایانی روز یکشنبه گذشته بود که مردی در تماس با مرکز فوریت های پلیسی اعلام کرد که خودروی پژو ۲۰۶ متعلق به او در حالی که نوزاد پسر دو ماهه اش نیز داخل خودرو بوده در خیابان جمالزاده به سرقت رفته است که در همین راستا تیمی از ماموران رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. در ادامه با حضور مأموران در محل، مرد جوان به آنان مراجعه کرد و گفت: همسر من چند دقیقه برای خرید از خودرو پیاده شد و ماشین را خاموش نکرد، پسر دو ماهه ما نیز در صندلی عقب خودرو خوابیده بود که در همین حین ناگهان دو جوان سوار بر خودرو و از محل متواری شدند. با کسب این اطلاعات و با توجه به حساسیت موضوع مشخصات خودرو به تمامی گشت های پلیسی مخابره شد. در این میان زن جوان به ماموران اعلام کرد که گوشی تلفن همراهش را داخل خودرو جا گذاشته است که در این هنگام یکی از ماموران با این شماره تماس گرفت و موفق به صحبت با سارق شد، این مامور خود را یکی از بستگان این زن معرفی کرد و از او خواست که با توجه به حضور نوزاد دو ماهه داخل خودرو، از سرقت صرف نظر کند. مکالمه مأمور پلیس با سارق چندین بار دیگر انجام شد تا این که سرانجام سارق اعلام کرد که خودرو را در محدوده کلاتری گلستان پارک کرده و برای این که کودک سرمان نخورد بخاری را روشن کرده است. بلافاصله مأموران به محل اعزام شدند و این کودک را از داخل خودرو خارج کردند، اما دو سارق از محل متواری شده بودند.

مرکز اطلاع رسانی پلیس پیشگیری تهران بزرگ با تأیید این خبر اعلام کرد که تلاش ها برای شناسایی و دستگیری این دوسارق ادامه دارد. گفتنی است که بنیتا دختر هشت ماهه ای بود که صبح پنجشنبه ۲۹ تیر ۹۶ و در حالی که در خودروی پراید پدرش بود، ربوده و جسدش پس از شش روز داخل خودرو شش شد.



اعترافات هولناک کرکس موتورسوار



سجادپور - ادامه تحقیقات کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی که با دستورات ویژه قضایی همراه بود، به اعترافات هولناک کرکس موتورسوار انجامید. به گزارش اختصاصی خراسان، متهم ۳۱ ساله معروف به «کرکس موتورسوار» که با تشکیل یک باند شش نفره، به کودکان و نوجوانان تعرض می کرد در از بسیاری از پرونده های زورگیری، آدم ربایی و تعرض به کودکان را فاش کرد.

اعضای این باند خطرناک که برخی از آنان خود نیز طعمه تعرض «کرکس موتورسوار» شده اند با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی اسماعیل عندلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) تحت تعقیب قرار گرفتند و در نهایت با رصدهای اطلاعاتی و تلاش شبانه روزی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در چنگ قانون گرفتار شدند. با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا و به دستور قاضی عندلیب بخشی از این پرونده در شعبه ۴۱۱ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد مورد رسیدگی قرار گرفت و پرونده اتهامی جوان معروف به «کرکس موتورسوار» نیز به طور مستقیم به دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد. گزارش خراسان حاکی است، همه اعضای این باند با قرار بازداشت موقت در

نکرده است. بنابر گزارش خراسان، اعضای این باند علاوه بر جرایم و حشمتناکی مانند تعرض به کودکان به زورگیری و سرقت های متعدد نیز در مناطق شمال و شمال شرقی مشهد اعتراف کردند که با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا، بررسی های ویژه ای با راهنمایی و نظارت مستقیم قاضی عندلیب ادامه دارد.

تحقیقات کارآگاهان همچنین نشان می دهد که سرکرده این باند جرایم هولناک خود را از حدود چهار سال قبل در حالی آغاز کرده است که سوابق کیفری نیز در همین زمینه دارد. معاون دادستان مرکز خراسان رضوی با تاکید بر این که بخش های زیادی از پرونده مذکور به دلیل منع قانونی قابل اطلاع رسانی نیست و تحقیقات به صورت محرمانه ادامه دارد به خراسان گفت: با ادامه بررسی های قضایی و پلیسی و در مراحل مختلف دادرسی با توجه به اهمیت موضوع اطلاع رسانی لازم صورت می گیرد. قاضی اسماعیل عندلیب افزود: هم اکنون تحقیقات کارآگاهان نیز بنظر بازپرس سیدروح... حسینی ادامه دارد و شهروندانی که فرزندان آنان به هر طریقی طعمه اعضای این باند شده اند، می توانند برای شناسایی متهمان به اداره جنایی پلیس آگاهی مراجعه کنند و یقین بدانند که هویت آنان و فرزندان شان به طور محرمانه باقی می ماند.

اخاذی زن رمال از دختران جوان با تهدید طلسم همیشگی

ناصری نژاد با بیان این که ماموران طی تهران بزرگ از دستگیری یک زن رمال در جنوب شرق پایتخت خبر داد. به گزارش ایسنا، سرهنگ ناصر نژاد در این باره گفت: چندی قبل ماموران قرارگاه جلب محکومان متواری، از فراری بودن یک زن که از طریق رمالی و فالگیری اقدام به کلاهبرداری و اخاذی از شهروندان کرده بود، با خبر شدند و با توجه به صدور حکم محکومیت برای این زن و متواری بودن وی، اقدامات خود برای شناسایی و دستگیری متهم را آغاز کردند.

تومان از مراجعه کنندگان اخاذی و به یکی از شهرهای شمالی کشور فرار کرده است. ماموران طی تحقیقات با خبر شدند که این زن برای مدتی به تهران بازگشته است که بلافاصله برای دستگیری اش وارد عمل شدند و او را در مخفیگاهش در جنوب شرق تهران دستگیر کردند. ناصر نژاد با بیان این که متهم در بازجویی های انجام شده به جرم خود اعتراف کرد، گفت: هشت نفر از شکات پرونده نیز شناسایی شدند و این فرد با پرونده تشکیل شده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شد.

در امتداد تاریکی

گوشی خون آلود!

رضایت اولیای دم را گرفتیم و در سال ۹۲ از زندان آزاد شدم. بعد از این ماجرا به نیشابور رفتم و در یک شرکت آب معدنی مشغول کار شدم. آن جا بود که عاشق یکی از همکارانم شدم و از او خواستگاری کردم. اولین بار که او را در حین کار دیدم برق چشمانش مرا گرفت و به او گفتم که «خاطرت را می خواهم!» البته او ابتدا قبول نمی کرد ولی من به این از دواج اصرار کردم تا این که بالاخره در همان سال ۹۲ سر سفره عقد نشستیم و از دواج کردم. یک سال نامزد بودیم و بعد از آن زندگی مشترکمان را در حالی آغاز کردیم که اختلافاتی بین من و همسر من وجود داشت این اختلافات خانوادگی هر روز شدت می گرفت به طوری که دیگر یک روز خوش هم نداشتیم. چهار سال قبل پدر من نیز به دلیل ابتلا به سرطان فوت کرد و من تنها پشتیبانم را از دست دادم. خلاصه درگیری های من و همسر من آن جا پیش رفت که او دادخواست طلاق داد و من هم که بیکار بودم بیشتر اوقات را به خانه خواهرم پناه می بردم. اگر چه خواهرم محترمانه با من برخورد می کرد اما صاحبخانه او چشم دیدن مرانداشت و نمی خواست به منزل او رفت و آمد کنیم این رفتارها گاهی به مشاجره و توهین نیز می کشید تا جایی که از خواهرم خواست منزلش را تخلیه کند. خواهرم نیز که چاره ای برایش باقی نمانده بود اسباب و اثاثیه اش را جمع کرد و به منزل اجاره ای دیگری رفت. بعد از این ماجرا روزی پیرزن صاحبخانه را در محله شترگلو در شهرک شهید رجایی دیدم و با او احوال پرسیدم. پیرزن از من خواست تا به همراه او به منزلش بروم، من هم که تعجب کرده بودم در میان نایابوری به اتفاق او به منزل ویلایی اش در طبقه دوم رفتم ولی باز هم به خاطر همان کینه های قبلی مشاجره ای بین ما شروع شد. من که دیگر به شدت عصبانی شده بودم ابتدا قصد داشتم گلدان را به سرش بکوبم اما چشمم به قفل آویز افتاد و آن ضرباتی به سرش زدم وقتی فهمیدم او دیگر جان در بدن ندارد، جسدش را به داخل پذیرایی بردم و چادرش را روی جسد کشیدم سپس گوشی تلفنش را بر داشتیم تا با همسرم برای آشتی با او صحبت کنیم چرا که پولی برای خرید گوشی نداشتیم و... شایان ذکر است تحقیقات بیشتر برای کشف زوایای پنهان این پرونده جنایی ادامه دارد.

ماجرای واقعی بر اساس یک پرونده قضایی

چرم کیهان

کیف چند منظوره

هدیه متفاوت
برای روز پدر

چرم ۱۰۰٪ طبیعی
دست دوز



گروه تولیدی کیهان با هدف تولید محصولاتی از چرم طبیعی و دست دوز با طراحی منحصر به فرد، می کوشد تا با حذف واسطه ها محصولاتی با کیفیت را به هموطنان عرضه نماید، تا علاوه بر حمایت از کالای ایرانی سهمی در رونق تولید و اشتغال زایی داشته

- هدیه ای ماندگار و اصیل از چرم طبیعی
- طراحی منحصر به فرد و کاربردی
- قیمت مناسب و مقرون به صرفه
- امکان جایگذاری تلفن همراه،
- مدارک شناسایی، هندزفری، خودکار و ...



@keyhanleather
www.keyhanleather.com

تخفیف ویژه
سازمان ها
برای سفارش با تخفیف ویژه با شماره
۰۵۱-۳۸۴۷۲۹۷۸ تماس حاصل فرمایید.

برای سفارش و ارسال رایگان عدد ۷ را به ۱۰۰۰۵۵۷۰ پیامک کنید